

مبارزه ادامه دارد

یونان در آستانه انتخابات زودهنگام

مزدک لیان

بیست و یکم اوت ۲۰۱۵

پس از رفراندوم پنجم ژوئیه در مورد بسته کمک مالی پیشنهادی ترویکا که با نه ۶۲ درصدی شهروندان یونان مواجه شد، سیریزا در یک چرخش صد و هشتاد درجه ای پیشنهاد جدیدی به ترویکا ارائه کرد که شامل برنامه ریاضتی به مراتب شدیدتری از بسته پیشنهادی ترویکا بود که شهروندان در رفراندوم آن را رد کرده بودند. با ارائه پیشنهاد جدید سیریزا و قبول آن توسط ترویکا در پانزدهم ژوئیه مبارزه طبقاتی در یونان وارد فاز جدیدی شد. این که در مرحله بعد چه خواهد شد مشخص نیست. و طبیعا بستگی کامل به سازماندهی کارگران و رهبران شان دارد.

این فاز جدید مبارزه در یونان در دو سطح قابل بررسی است: اول در سطح سیاست رسمی، و دوم در سطح مبارزه اجتماعی از پایین.

در سطح سیاست رسمی و احزاب و گرایش های موجود، سیریزا با مخالفت جدی جناح چپ خود و نیز احزاب و گرایش های چپ رادیکال مثل آنتارسیا روبرو است. (آنتارسیا گرچه خود در پارلمان حضور ندارد اما به خصوص در چشم رسانه های چپ غربی به عنوان رادیکال ترین گرایش چپ در یونان شناخته می شود.) در جلسه پارلمان برای بررسی توافق نامه جدید در سیزدهم اوت از میان نمایندگان سیریزا سی و دو نفر به توافق نامه رای منفی و دوازده نفر رای ممتنع دادند و یک نفر هم غایب بود. و این به این معنی بود که دولت از حدنصاب صد و بیست نماینده موافق برای رای اعتماد باز می ماند و به این ترتیب در بیستم اوت می بایست جلسه برای رای اعتماد برگزار می شد.

رهبران اصلی فراکسیون رادیکال سیریزا مشهور به پلاتفرم چپ (شامل جریان چپ (Left Current) و شبکه سرخ (Red Network)) مثل واروفاکیس (وزیر پیشین دارایی)، لافازانیس (رهبر پلاتفرم چپ و وزیر مستعفی انرژی) و کنستانتینوپولو (عضو جناح چپ سیریزا و رییس پارلمان) خیلی صریح گفته بودند که گرچه با توافق نامه مخالف اند، نمی خواهند باعث سقوط دولت شوند. یعنی تا وقتی رای منفی می دهند که بدانند تاثیری ندارد! به عبارت دیگر به امید چانه زنی بیشتر با توافق نامه مخالفت می کنند. البته سپیراس در این مدت با شدت بسیار بیشتری به جناح چپ حزب اش تاخته است. رسانه های رسمی و بورژوازی هم از هر روشی برای تخریب مخالفان توافق

نامه بهره می برند. که فقط یک نمونه اش تهاجم سکسیستی به خانم کنستانتینوپولو بود. آنچه مسلم است این است که سپراس می توانست به کمک احزاب جناح راست مثل دموکراسی نو (New Democracy)، پاسوک (Pasok) و تو پوتامی (To Potami) باز هم رای اعتماد بگیرد. معلوم است که دست راستی ها ترجیح می دهند که "اصلاحات" توسط یک حزب چپ گرا انجام شود. و اگر مخالفت اجتماعی ای هم هست علیه چپ گرایان باشد. در عین حال سپراس به دنبال یک پاکسازی درون حزبی وسیع برای بیرون کردن نمایندگان جناح چپ از حزب و دولت هم هست. برای همین ترجیح داد بدون برگزاری جلسه رای اعتماد برای انتخابات زودهنگام در سپتامبر اقدام کند. او به خوبی می داند که طبق نظرسنجی های موجود (که خیلی هم بی طرف نیستند) اعتماد مردم به او کم نیست. چرا که فرض عمومی بر این است که او هر کاری که می توانست کرد ولی زورش به آلمان نرسید. بنابراین انتخابات زودهنگام در این شرایط و با وجود توافق نامه جدید با ترویکا می تواند به او در منسجم تر کردن دولت اش و نیز اجرای کم در دسر توافق نامه کمک کند. برای جناح چپ اما فقط یک انتخاب روی میز است. یا باعث شکست یک دولت چپ گرا شوند و یا به حاشیه بروند. طبعا سقوط یک دولت چپ گرا توسط مخالفان رادیکال اش شرایط را بالقوه رادیکال تر می کند. و گرچه عده ای از اعضای جناح چپ اعلام کرده اند که برای انتخابات زیر عنوان جبهه جدیدی به نام اتحاد مردمی (Popular Unity) شرکت خواهند کرد بعید است برنامه ای مشخص تر از خروج صرف از یورو داشته باشند. احزاب و گرایش های دیگر چپ (مثل آنتارسیا و حزب کمونیست) هم تاکنون استرژژی مشخص و ملموسی ارائه نکرده اند و در نتیجه آن قدر درگیر رقابت های فرقه ای و سکتاریستی هستند که بعید است کمکی به تعمیق بحران سیاسی به سود انقلاب کنند.

اما در سطح اجتماعی و سیاست از پایین هم سیریزا درگیر بحران است. از فردای تایید توافق نامه جدید توسط ترویکا چندین اتحادیه اصلی کارگران در یونان فراخوان اعتصاب دادند. اعتراضات به درگیری کشید و پلیس هم دست به سرکوب خشن تظاهرکنندگان زد. از طرف دیگر متا (META) شاخه اتحادیه ای سیریزا هم مخالفت اش را با توافق نامه اعلام کرده و گفته است کارگران ساکت نخواهند نشست. مخالفت اتحادیه ها در پیشبرد و تعمیق مبارزه حیاتی ست. کمالین که در مخالفت با دو توافق نامه قبلی هم این اتحادیه ها بودند که نقش اصلی را بازی کردند. اما قدرت رزمندگی اتحادیه ها در سه سال اخیر تحلیل رفته است. سیریزا تمام تلاش اش را در این سه سال که از ورودش به پارلمان می گذرد کرده است تا اعتراضات اتحادیه ها را به حداقل برساند. تا پیش از به قدرت رسیدن اش در ژانویه گذشته به امید کسب قدرت از بالا و از آن پس به امید ادامه چانه زنی با ترویکا. روشن است که سیریزا اگر می خواست که مبارزه را تعمیق دهد و به سطح اجتماعی بکشد در همان سال

۲۰۱۲ که به پارلمان راه یافت می بایست دولت تشکیل می داد. ولی این کار را نکرد چرا که فرض اش این بود که ممکن نیست سازماندهی اجتماعی از پایین بتواند کمکی به حل بحران بکند. اما امروز با چرخش های مکرر سیریزا در برابر خواست کارگران و کوتاه آمدن اش در برابر ترویکا، کارگران دیگر دلیلی برای حمایت (حتا مشروط) از سیریزا نباید داشته باشند.

آن چه مسلم است گسستگی نسبی احزاب چپ رادیکال مثل آنتارسیا از کارگران و مصلحت اندیشی جناح چپ سیریزا در مخالفت با سقوط دولت مانع بزرگی برای تعمیق مبارزه و رهبری شرایط انقلابی خواهد بود. بنابراین با ناتوانی احزاب و گرایش های رسمی چپ در تعمیق و پیشبرد مبارزه، در این شرایط فقط مبارزه مستقیم کارگران است که مانع از فیصله یافتن اوضاع و از دست رفتن فرصت برای ادامه مبارزه می شود.